

کتاب کنکور

# عربی زبان قرآن دوازدهم

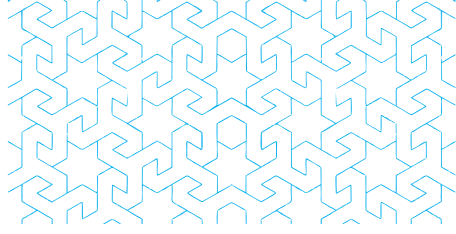
مهدي ترابي

رشته های ریاضی و تجربی

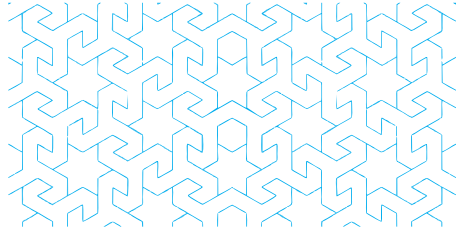
از مجموعه مرشد

به همراه  
پرسش ها و پاسخ نامه تشریحی  
کنکور ۹۸





UNIVERSITY  
UNIVERSITY



## به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

«هر کودکی که به دنیا می‌آید، این پیام را به همراه دارد که خدا، هنوز از انسان ناامید نشده است.»

این جمله معروفی از اندیشمند هندوستان، «رابیندرانات تاگور» است که بارها و بارها به مفهوم زیبای آن فکر کرده‌ام و احیاناً شما هم حس می‌کنید که به طرز هوشمندانه‌ای می‌خواهد بگوید که اگر خدا از انسان‌ها ناامید شده بود دیگر هیچ کودکی به دنیا نمی‌آمد.

و حالا حتماً از خودتان می‌پرسید که این مطلب چه ربطی به این کتاب و موضوع آن دارد؟! «هر کتابی که به دنیا می‌آید (تولید می‌شود)، این پیام را به همراه دارد که انسان، هنوز از آموختن ناامید نشده است.»

بی‌اغراق می‌گویم که اگر امید به آموختن در وجود انسان هنوز زنده و ملموس نبود شاید ما هم این مقدار سختی را برای تولید چنین کتابی تحمل نمی‌کردیم و اکنون که آخرین قلم‌فرسایی‌های این کتاب را انجام می‌دهم، تمام امید و آرزویم این است که توانسته باشم کتابی تألیف کنم که مطالعه آن شما را در فهم و یادگیری بهتر درس عربی یاری کند و افقی نو در نگاهتان بگشاید.

در روند تولید کتاب نیز مانند هر محصولی، فقط یک نفر به چشم می‌آید و آن هم «مؤلف» است درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پر تلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

### سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران

جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

مهندس بابک نهرینی: دوست عزیز و خوش‌قلبی که باعث آشنایی من با مجموعه مبتکران بود.

آقای حسین کشتی‌کار: که همواره صبور و مهربان و باوقار به خواسته‌های من گوش می‌دادند و به همکارانشان در سایت طراحی و حروف‌چینی منتقل می‌کردند.

صفحه‌آرا: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

گرافیکست: بهاره خدامی

طراح جلد: مینا هرمزی

سرکار خانم زینب نزل آبادی و هدی معرفت‌جو که در ویرایش بخش‌هایی از کتاب همراه من بودند.

❦ دانش‌آموزان خوبم: که ایرادهای موجود در چاپ اول را صمیمانه به من منتقل کردند تا بتوانم در ویرایش‌های بعدی آن‌ها را برطرف کنم.

❦ همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گرانقدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر مَنّت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام بنده به نشانی زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانقدر است:

**@Arabi Academy**

مهدی ترابی



شماره صفحه

نام درس

|    |                  |
|----|------------------|
| ۷  | درس اول          |
| ۲۹ | درس دوم          |
| ۵۳ | درس سوم          |
| ۷۵ | درس چهارم        |
| ۹۹ | پاسخ نامہ تشریحی |

## الدرس الاول:

### محتوا دريك نگاه

جمله‌های اسمیه با آمدن برخی از کلمات، تغییراتی در ساختار مبتدا و خبرشان ایجاد می‌شود که این تغییر فقط محدود به ظاهر کلمات نبوده و معنای جمله اسمیه را نیز تغییر می‌دهد.

اولین مورد از این کلمات، «افعال ناقصه» است که در آخرین درس عربی یازدهم با آن آشنا شدید و در ادامه قرار است در این درس با دو مورد دیگر، یعنی حروف مشبیه و لانی جنس آشنا شوید.

مقدمه

در درس ۵ عربی دهم با ساختار جمله اسمیه آشنا شدید و دانستید که جمله اسمیه از ترکیب «مبتدا + خبر» تشکیل می‌شود.  
مبتدا + خبر  
الکتابُ مفیدٌ.

مرفوع مرفوع

در زبان عربی، حروفی وجود دارد که اگر به ابتدای جمله اسمیه اضافه شوند، اعراب و عنوان مبتدا و خبر را تغییر می‌دهند، این حروف که معنای متفاوتی دارند، «حروف مشبّهة بالفعل» نامیده می‌شوند.

شناخت حروف مشبّهة بالفعل:

این حروف عبارت‌اند از:

«إِنَّ: همانا، به درستی که» / «أَنَّ: که» / «لَيْتَ: کاش - ای کاش» / «لَعَلَّ: شاید» / «كَأَنَّ: گویی که - گویا» / «لَكِنَّ: ولی»

حروف مشبّهة طرز عمل مشترکی دارند که هرچند در کتاب درسی شما، این موضوع مطرح نشده ولی دانستن آن خالی از لطف نیست:



اللَّهُ عَلِيمٌ ← إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ.

یعنی بعد از اضافه شدن حروف مشبّهة به ابتدای جمله اسمیه، کماکان جمله اسمیه دارای ولی نقش‌های آن، «مبتدا - خبر» نبوده و «اسم - خبر» حروف مشبّهة می‌باشد.

بررسی حروف مشبّهة:

۱) «إِنَّ»: برای بیان تأکید در ابتدای جمله می‌آید که معمولاً به صورت «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» ترجمه می‌شود.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.»

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

**تذکره:** ترجمه «إِنَّ» در جمله‌ها ضروری نیست و اگر ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

نمونه تست:

فی ایّ جوابِ همزة «إِنَّ» خطأ؟

- ۱) قَدْ يُكْتَبُ عَلَى لَوْحٍ فِي مَتَجَرٍّ: أَنْ الْأَكْلَ غَيْرُ مَسْمُوحٍ هُنَا!
- ۲) مَنْ يُقْرِضُ الْمَسْكِينِ مَالًا فَإِنَّمَا يُقْرِضُ خَالِقَهُ!
- ۳) لَمْ أَشَاهِدْ أَنَّ الْكَذَّابَ يَنَالُ مَكَانَةً خَاصَّةً بِإِحْتِيَالِهِ!
- ۴) إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا هُنَا بَدَّوْا يَتَّهَمُونَ فِي إِحْدَى الصُّفُوفِ!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

**نکته:** موارد کاربرد «إِنَّ»:

- ۱- در ابتدای جمله از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۲- بعد از نقل قول‌ها (:): از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۳- بعد از اسم‌های موصول از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
  - ۴- بعد از «ثُمَّ - حَيْثُ - اِذْ» از «إِنَّ» استفاده می‌شود.
- بنابراین در گزینه ۱ «بعد از (:):» باید از «إِنَّ» استفاده شود.

۲) «أَنَّ»: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. (یربطُ الجملتين)  
قالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.  
تذکره: در عبارت‌هایی که دارای «أَنَّ» باشد، حداقل ۲ جمله وجود دارد. (برای شمارش تعداد جملات)

#### نمونه تست:

أكمل الفراغين:

«لَقَدْ فَشَلْتُ فِي مَبَارَاةٍ عَدَّةَ مَرَاتٍ وَ عَلِمْتُ ..... النَّجَاحَ فِي الجِدِّ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي: يَا ..... الزَّمانَ يَعودُ إلى الوراء.»  
 ۱) أَنْ - لیت      ۲) لَعَلَّ - لیت      ۳) إِنَّ - لعلَّ      ۴) أَنْ - لعلَّ

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در وسط جمله و برای ارتباط دو قسمت از جمله باید از «أَنَّ» استفاده کنید.  
ترجمه جمله: «در مسابقه‌ای بارها شکست خوردم و دانستم که پیروزی در تلاش است و با خودم گفتم: ای کاش زمان به عقب بازگردد.»

۳) «كَأَنَّ»: به معنای «گوییم» و «مانند» است و در جمله نشانه «تشبیه» می‌باشد.  
«كَأَنَّهُنَّ الياقوتُ وَ المَرجانُ»: آنان همچون یاقوت و مرجان هستند.

#### نمونه تست:

عَيِّنِ «التشبيه» في العبارات التالية:

۱) كَأَنَّ الحُسَيْنَ مِصباحٌ يُنيرُ الطَّرِيقَ لِلجَمِيعِ!  
 ۲) لَعَلَّ صَدِيقِي فِي هَذَا الأَسبوعِ يُسافِرُ إلى العِراقِ!  
 ۳) «و يَقُولُ الكَافِرُ يالَيْتَنِي كُنْتُ تَراِباً»  
 ۴) إِنَّ رَبِّي ذُو فَضْلٍ وَ لَكِنَّ أَكثَرَ النَّاسِ لا يَفهَمونَ!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

با توجه به اینکه «كَأَنَّ» در این گزینه به کار رفته، می‌توانیم بگوییم که در این گزینه تشبیه وجود دارد.

۴) لَكِنَّ: به معنای «ولی» و برای تکمیل پیام جمله و برطرف کردن ابهام از جمله قبلی و رساندن منظور دقیق و کامل استفاده می‌شود.

**مثال:** من درس‌هایم را خوانده‌ام ولی هنوز باقی مانده است.

«إِنَّ اللهَ لَذُو فَضْلٍ على النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكثَرَ النَّاسِ لا يَشكُرونَ»

بی‌گمان خدا دارای بخشش است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

۵) لیت: به معنی «کاش - ای کاش» و بیانگر آرزوست و گاهی به صورت «یا لیت» به کار می‌رود که در ترجمه تفاوتی با «لیت» ندارد.

«و يَقولُ الكَافِرُ يا لَيْتَنِي كُنْتُ تَراِباً»: و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

#### نمونه تست:

عَيِّنِ ما يَدُلُّ على التَّمَنِّي لأمرٍ غير مُمكن:

۱) في يوم صيفي حارَّ كأَنَّ الشَّمسَ كُرَّةٌ ملتهبةٌ في قلبِ السَّماءِ!  
 ۲) إِنَّ الإنسانَ يَرجو الحياةَ في الدُّنيا وَ يَكْره السَّيبَ مع أَنَّهُ يَزِيدُهُ وقاراً!  
 ۳) لَعَلَّ زَملائِي يَحْتَفِلونَ بِنِجامِهِم وَ تَفوِّقَهُم في جَوِّ بَهِيجِ!  
 ۴) مَرَّ بذهني: لَيْتَ الإنسانَ مثلَ الرياضياتِ تُفسَّرُهُ بعضُ النُّظَرياتِ!

پاسخ تست: **گزینه ۳**

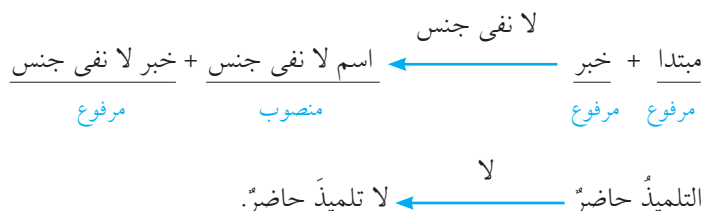
واژه «تَمَنِّي» به معنی «آرزو کردن» است و با توجه به معنا و کاربرد «لیت»، گزینه «۳» پاسخ صحیح است.



۶ **لَعْلٌ**: به معنی «شاید» و «امید است» می‌باشد.  
 «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: بی‌گمان، قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما بیندیشید.

### لای نفی جنس

یکی دیگر از حروفی که می‌تواند به ابتدای جمله اسمیه اضافه شده و آن را تحت تأثیر قرار دهد، «لا نفی جنس» است. هرچند طرز عمل «لا نفی جنس» نیز مانند طرز عمل «حروف مشابه» جزء خواسته کتاب درسی شما نیست ولی دانستن آن خالی از لطف نمی‌باشد:



### نحوه ترجمه جملات دارای لا نفی جنس:

جمله‌ای که با لا نفی جنس شروع می‌شود یک جمله اسمیه به حساب می‌آید که معنای «منفی» دارد. این جمله اسمیه به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود و اسمی که بعد از لا نفی جنس می‌آید به صورت نکره ترجمه می‌شود.

لا جهادَ كجهادِ النفس: هیچ مبارزه‌ای همچون مبارزه با نفس نیست.

نکره

«لا علمَ لنا إلا ما عَلَّمْتَنَا»: جز آنچه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم.

نکره

### مقایسه لا نفی جنس با انواع لا:

۱) لا نافیة: برای منفی کردن فعل مضارع، به ابتدای آن اضافه می‌شود ولی هیچ تغییری در آخر فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. لایذهب: نمی‌رود

۲) لا ناهیه: به ابتدای فعل مضارع اضافه می‌شود و آخر آن را مجزوم می‌کند (لَمْ يَذْهَبْ / نَذْهَبُ) به جز دو صیغه جمع مؤنث و به صورت دستور منفی ترجمه می‌شود.

لا يَذْهَبُ: نباید برود لا تَذْهَبُ: نرو لا أَذْهَبُ: نباید بروم

۳) لا جواب: در پاسخ به عبارت‌های پرسشی که با «هل - آ» شروع شده باشند، می‌آید. هل أنت متكاسل؟ لا، أنا نشيطٌ و مجتهدٌ.

۴) لا عطف: بین دو اسم می‌آید و از نظر معنایی آنها را از هم جدا می‌کند. جالس العلماء لا الجهال: با دانشمندان همنشینی کن نه با نادانان.

۵) لا نفی جنس: در ابتدای جمله می‌آید و بعد از آن بلافاصله اسمی داریم که بدون ال و تنوین آمده است و فقط «فتحه َ» دارد و به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود.

لا خیر فی قولِ الأَمعِ الفعلِ.

### نمونه تست:

عین «لا» یختلف نوعها عن الباقي:

۱) لا لباس أجمل من العافية والعقل السليم في الجسم السليم!

۱) «لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ»

۴) لا بليّة أعظم من الجهل في حياة الإنسان!

۳) «لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي»

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در گزینه «۱»: لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده و لا ناهیه است.

در گزینه «۲»: لا در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

در گزینهٔ «۳»: لا در کنار اسم آمده و «لا» نفی جنس است.  
در سایر گزینه‌ها، «لا» در کنار اسم آمده و «لا نفی جنس» می‌باشد.  
در گزینهٔ «۴»: «لا» در کنار اسم آمده و لا نفی جنس است.

### نمونه تست:

عین نوع «لا» فی عبارة «لا تَسْبُوا النَّاسَ حَتَّى لَا يَسْبُوَكُمْ».

- ۱ ناهیه - ناهیه      ۲ ناهیه - ناهیه      ۳ ناهیه - ناهیه      ۴ ناهیه - ناهیه

پاسخ تست: **گزینه ۱**

در لا تَسْبُوا، حرف لا باعث مجزوم شدن فعل مضارع شده است ← لا ناهیه  
در حَتَّى لَا يَسْبُوَكُمْ، «حَتَّى» حرف ناصبه است و باعث منصوب شدن فعل مضارع می‌شود و در نتیجه، «لا» نمی‌تواند تغییری در فعل ایجاد کند و مجبور است لا ناهیه باشد.  
**نکته** اگر قبل از «لا» یکی از حروف عامل (عمل‌کننده) بیاید، لا حتماً ناهیه است.  
ترجمهٔ این عبارت: «به مردم دشنام ندهید تا به شما دشنام ندهند.»

### نکته‌نامه

- مراقب باشید «إِنَّ - أَنْ» را با «إِنْ: حرف شرط» و «أَنْ: حرف ناصبه» اشتباه نگیرید.
- إِنْ و أَنْ هیچ‌گاه بلافاصله در کنار فعل نمی‌آیند، در حالی که «إِنْ» و «أَنْ» حتماً در کنار فعل می‌آیند.
- «کان: بود» جزء افعال ناقصه است و نباید آن را با «كأن» اشتباه بگیرید.
- «لیس» جزء افعال ناقصه است و معنی «نیست» می‌دهد و نباید آن را با «لیت» که جزء حروف مشبّهه است اشتباه بگیرید.
- اسمی که بعد از لا نفی جنس می‌آید، باید نکره باشد و نباید ال یا تنوین داشته باشد.
- اگر بعد از «لا»، فعل یا جارومجرور آمده باشد قطعاً، «لا» نفی جنس نیست.

### کارگاه ترجمه

- فعل مضارع در جملات دارای «لیت» و «لعلّ» به صورت «مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود:  
**نمونه:** لیت معلّمی یُشاهد اجتهادی: ای کاش معلمم تلاش کردن مرا ببیند.
- فعل ماضی در جملات دارای «لیت» به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می‌شود.  
**نمونه:** لیت التلمیذ اِتَّعَدَ عن الکسل | ای کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری می‌کرد.   
ای کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود.
- لا نهی در صیغه‌های غایب و متکلم به همراه «نبايد» ترجمه می‌شود:  
**نمونه:** لا تَذْهَبْ: نباید برویم      لا یَذْهَبْ: نباید برود.
- جملات دارای «لا نفی جنس» که به صورت «هیچ ..... نیست» ترجمه می‌شود را با جملات دارای «لیس: نیست» اشتباه نگیرید؛ زیرا جملات دارای «لا نفی جنس» را در زبان عربی، «نفی مطلق» می‌گویند که باید حتماً با «هیچ» ترجمه شوند.  
**نمونه:** لیس فی المدرسة تلمیذ: دانش‌آموزی در مدرسه نیست.  
لا تلمیذ فی المدرسة: هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست.
- ترجمهٔ «إِنَّ» ضروری نیست، بنابراین براساس ترجمه نشدن آن نمی‌توانید گزینه‌ای را حذف کنید.
- «إِنَّ» و «أَنْ» جزء حروف مشبّهه هستند و با نحوهٔ ترجمهٔ آنها آشنا شدید، این دو حرف اگر به صورت «إنما» یا «أئما» باشند، معنی «فقط» می‌دهند.  
**نمونه:** أئما المؤمنون إخوة: فقط مؤمنان با یکدیگر برادر هستند.

۱- عَيْنِ الخَطَاءِ:

- ۱ جمع الانشوده: الاناشيد  
 ۲ مفرد البسمات: البسمة  
 ۳ جمع الحظ: الاحظاظ  
 ۴ جمع الكتف: الأكتاف

۲- عَيْنِ الخَطَأِ فِي تَوْضِيحِ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ: لَا تَكَلَّمُوا بِكَلَامِ قَبِيحٍ  
 ۲ أَبِي يُعَلِّقُ فَاسَهُ عَلَى كَتِفِهِ: آلهَ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الحديدِ يُقَطَّعُ بِهَا  
 ۳ تَلْمِذَاتُ الصَّفِّ الآخِرِ بَدَأْنَ يَتَهَامَسْنَ: يَتَكَلَّمْنَ بِصَوْتِ عَالٍ  
 ۴ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى: مَا هُوَ لَا غَايَةَ وَ لَا مَعْنَى لَهُ

۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱ النَّاسُ فِي بَلَدِنَا يَنْعَقِدُونَ السَّعَائِرَ الدِّينِيَّةَ دَائِمًا: مَراسِمُهَا  
 ۲ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ البُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ: بَرزخ  
 ۳ الحَارِسُونَ يُفْتَشُونَ الْمُتَهَمِينَ فِي دَاخِلِ السُّجُونِ: زندانها  
 ۴ لَعَلَّ قَاطِعَ الخَطَبِ يَنْقَطِعُ جِدْعَ الأشجارِ مَعَ الفَاسِ: شاخه

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي المُتَرَادِفِ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱ كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ: مَرَضٌ  
 ۲ لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ العَضْبَ مَفْسَدَةٌ: مَظْلَمَةٌ  
 ۳ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي العِظَامَ: الكِرَامَةُ  
 ۴ لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ القِنَاعَةِ: مِيرَاثٌ

۵- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ المُتَضَادُّ:

- ۱ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الجَهْلِ وَ لَا غِنَى خَيْرٌ مِنَ العَقْلِ  
 ۲ بَدَّلَ الرَّئِيسُ الصِّرَاعَ بَيْنَ القَوْمِ بِالسَّلْمِ  
 ۳ مَا كَانَ إِبراهيمَ مُشْرِكًا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا  
 ۴ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الفِعْلِ

۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالَ الَّذِينَ ..... الحَيَاةَ الدُّنْيَا ..... لَنَا مِثْلَ مَا ..... قَارُونَ»

«كسانی که زندگی دنیا را می خواهند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده برای ما بود.»

- ۱ يُرِيدُونَ - يَا لَيْتَ - أُوتِيَ  
 ۲ يَطْلُبُونَ - لَعَلَّ - أُوتِيَ  
 ۳ أَرَادُوا - يَا لَيْتَ - أُعْطِيَ  
 ۴ يُرِيدُونَ - لَعَلَّ - أُعْطِيَ

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

«گفتند منزهی تو، ما ..... جز آنچه ..... همانا تو دانای حکیم هستی»

- ۱ نادانیم - فراگرفتیم  
 ۲ دانشی نداریم - تو به ما آموختی  
 ۳ نادانیم - یاد گرفتیم  
 ۴ دانشی نداریم - تو به ما آموختی

۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ۱ كَانَهَا رَائِحَةً جَدَى رَسُولِ اللَّهِ: هَمَانَا  
 ۲ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا: شَائِد  
 ۳ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ: زِيْرَا  
 ۴ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: هَمَانَا

۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- (الف) أَوْلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.  
 (ب) لَيْتَنِي عَلِمْتُ أ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي.  
 (ج) وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ.  
 (د) وَمِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَمُفْسَدَةُ الْمَعَادِ. وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ.

- ۱ که نازل کردیم، ای کاش می دانستم، گل، مایه تباهی  
 ۲ نازل کردیم، شاید می دانستم، گل، مایه تباهی  
 ۳ که نازل کردیم، می دانستم، خاک، فساد  
 ۴ نازل کردیم، ای کاش می دانستم، خاک، فساد

۱۰- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ التَّعَارِيفِ:

- ۱ مَكَانٌ يُحْبَسُ فِيهِ الْمُجْرِمُ: السِّجْنُ  
 ۲ مِنْ أَقْدَمِ آثَارِ التَّارِيخِيَّةِ الْبَشَرِ الَّتِي يُكْتَشَفُ مِنْهَا حُرُوفٌ رَمَزِيٌّ وَ خَطٌّ وَ التَّارِيخُ...: الْأَصْنَامُ  
 ۳ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجَذَعِ: الْكَتِفُ  
 ۴ آلَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا: الْفَاسُ

۱۱- عَيْنِ مَا فِيهِ مُتَضَادَّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

السَّلْمُ، حَنِيفٌ، الصَّحَّةُ

(الف) فَإِنَّ فِيهِ (القرآن) شَفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَالُ.

(ب) وَ مَنْ كَثُرَ نَزَاعُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ.

(ج) قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ.

- ۱ الف، ب، ج  
 ۲ ج، الف، ب  
 ۳ ب، ج، الف  
 ۴ ب، الف، ج

۱۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ فِي الْآيَاتِ:

يا إلهي يا إلهي يا مجيب الدعوات

إجعل اليوم سعيدا وكثير البركات

وأملأ الصدر إشرحا وفمي بالبسمات

وأعني في دروسي وأداء الواجبات

- ۱ اجابت شده - شادمانی - لبخند - یاری کن  
 ۲ اجابت کننده - شادمانی - لبخندها - مرا یاری کن

- ۳ اجابت - شادی - خندها - یاری کردی مرا  
 ۴ اجابت کننده - شادمانی - خنده - یاری کنی مرا

۱۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«عواملٌ مُخْتَلِفَةٌ تُحَسَّبُ لِإِقَامَةِ وَجْهِ النَّاسِ لِلشَّرِكِ وَ مِنْ جُمَلَتِهَا كَانَ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِمُحَاكَاةِ الْخَالِقِ بِصُورَةِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي كَانَ يَرَاهَا مِثْلَ الْإِنْسَانِ وَ الْحَيَوَانَاتِ وَ النَّبَاتَاتِ»

«عوامل گوناگونی برای ..... مردم به بت پرستی ..... و از جمله ی آن توجه انسان به شبیه سازی آفریننده به شکل چیزهایی بود که ..... همچون انسان، حیوانات و گیاهان»

۱ روی آوردن - شمرده می شود - آنها را می دید.

۲ روی آوردن - می شمرد - آنها را می دید.

۳ جلب شدن - شمرده می شود - آنها را درک می کرد

۴ جلب شدن - می شمرد - آن را می دید

## ۱۴- عَيْنِ الْأَصَحِّ لِلتَّرْجَمَةِ:

«قَدْ أَحْضَرْنَا مَقَالَةً يُعَلِّمُنَا حَوْلَ سِيرَةِ تَدْنِي شُعُوبِ الْمَاضِيَةِ مِنْ خِلَالِ كِتَابَاتِهَا وَ نُقُوشِهَا وَ شَعَائِرِهَا»

- ۱ مقاله‌ای را ارائه دادیم که به ما درباره‌ی دینداری ملل پیشین از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۲ مقاله‌ای را آورده‌ایم که به ما درباره‌ی روش دینداری ملل پیشین از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۳ مقاله‌ای را ارائه داده‌ایم که به ما درباره‌ی روش دینداری پیشینیان از طریق نوشته‌هایشان و کنده‌کاری‌هایشان و مراسم‌شان آموزش می‌دهد.
- ۴ مقاله‌ای را آورده‌ایم که به ما درباره‌ی دینداری ملل پیشین از طریق کتاب‌هایشان و نقاشی‌هایشان و اشعارشان آموزش می‌دهد.

## ۱۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لَعَلَّهُ كَانَ الْإِبْرَاهِيمَ الْحَنِيفَ الَّذِي أَخَذَ الْفَأْسَ عَلَى كِتْفِهِ وَ تَحَرَّكَ نَحْوَ الْمَعْبَدِ لِتَكْسِيرِ الْأَصْنَامِ»

- ۱ شاید او ابراهیم یکتاپرست بود که تبر را بر دوشش گرفته و به سمت عبادت‌گاه برای شکستن بت‌ها حرکت کرده‌است.
- ۲ ای کاش او ابراهیم یکتاپرست باشد که تبر را بر دوش گرفت و به سمت عبادت‌گاه برای شکستن بت‌ها رفته‌است.
- ۳ ای کاش او ابراهیم یکتاپرست باشد که شمشیر را بر دوش گذاشت و به سمت عبادت‌گاه برای نابودی خدایان رفته‌است.
- ۴ شاید او ابراهیم خدا پرست بود که شمشیر را بر دوشش گرفت و به سمت عبادت‌گاه برای خرد کردن بت‌ها رفته‌است.

## ۱۶- عَيْنِ الْخَطَأِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَيْتَنِي أَقْدِرُ أَنْ أَفْهَمَ الطُّلَابَ الْمَسَائِلَ الصَّعِيَّةَ: ای کاش می‌توانستم مسائل دشوار را به دانش‌آموزان بفهمانم.
- ۲ تَجَنَّبُوا مُجَالَسَةَ الَّذِينَ يَغْتَبُونَ الْآخَرِينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ: از همنشین با کسانی که به ناحق غیبت دیگران را می‌کنند دوری کنید.
- ۳ إِذَا دَا الصَّرَاعُ بَيْنَ رُؤَسَاءِ الْقَوْمِ فَرَسَبُوا فِي الْحَرْبِ: اختلاف میان سران قوم به وجود آمد پس در جنگ شکست خوردند.
- ۴ لَا تَكُونَنَّ مَرَّةً يَقُولُ الْحَدِيثَ السُّدِّيَّ: هرگز انسانی نباش که سخن بیهوده می‌گوید.

## ۱۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ يَا إِلَهِي أُنِرْ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ: خداوندا! عقل و دلم را مملو از دانش‌های سودمند کن. (جدید)
- ۲ كَانَ الْقَرَابِيُّنُ يَقْتُلُونَ لِرِضَاءِ الْأَلْهَةِ فِي الْمَاضِي: نزدیکان برای رضایت خدایان در گذشته کشته می‌شدند.
- ۳ حَرِّقُوا الْأَحْطَابَ الَّتِي كَسَرْتُمْ بِقُوْسِكُمْ: هیزم‌هایی را که با تبرهای‌تان شکستید بسوزانید.
- ۴ هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ: آیا آنان را دیده‌ای که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند.

## ۱۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«ابراهیم در آتش افکنده شد اما خداوند او را از آن نجات خواهد داد»

- ۱ قُذِفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَبِقَهُ مِنْهَا
- ۲ يُقَذَفُ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَتَجَبَّبُهُ مِنْهَا
- ۳ قُذِفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَبِقَتْهُ مِنْهُ
- ۴ قُذِفَ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ إِنَّ اللَّهَ سَبِقَهُ مِنْهَا

## ۱۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«گویی کسانی که در راه خداوند، جهاد می‌کنند چون ساختمانی استوار هستند.»

- ۱ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بُنْيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۲ إِنَّ اللَّاتِي يُجَاهِدْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبُنْيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۳ كَأَنَّ اللَّاتِي يُجَاهِدْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبُنْيَانٌ مَرصُوصٌ
- ۴ كَأَنَّ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَبُنْيَانٌ مَرصُوصٌ

## ۲۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

- ۱ هیچ چیز راست تر از مرگ نیست: لَا شَيْءَ أَصْدَقُ مِنَ الْأَجْلِ
- ۲ کاش آنان به حق روی آورند و از پروردگار طلب آمرزش کنند: لَعَلَّهُمْ أَقَامُوا وَجْهَهُمْ لِلْحَقِّ وَ يَسْتَغْفِرُونَ مِنَ اللَّهِ
- ۳ شاخه‌های درخت با این تبر بریده نخواهد شد: لَنْ تَقَطَّعَ عُصُونَ الشَّجَرَةِ مَعَ هَذِهِ الْفَأْسِ
- ۴ هرگز نمی‌توانی آزادگی مرد را در زندان نگاه‌دارید: لَا تَقْدِرُنَّ أَنْ تَحْفِظَ حُرِّيَّةَ الْمَرْءِ فِي السِّجْنِ

## ۲۱- عَيْنِ الْخَطَأِ لِلتَّعْرِيْبِ:

- ۱ مورچه تکه‌ی نان را بر دوش می‌گذارد و به لانه‌اش می‌برد: التَّمْلُ يَضَعُ قِطْعَةَ الْخُبْزِ عَلَى الْكَيْفِ وَ يَحْمِلُهَا إِلَى وَكْتِهِ
- ۲ گویی خشنود ساختن همه‌ی مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید: لَكِنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تَدْرِكُ
- ۳ قصیده‌ای که در وبلاگ مدرسه گذاشته بودی خواندیم: قَرَأْنَا الْقَصِيدَةَ الَّتِي وَضَعْتَهَا فِي مُدَوَّنَةِ الْمَدْرَسَةِ
- ۴ خمشگین مباح، پس همانا خشم، مایه‌ی تباهی است: لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ

## ۲۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«ای خدای من! سینه‌ام را از شادمانی و دهانم را از لبخندها مملو کن.»

- ۱ يَا إِلَهِي! إِمْلَأْ صَدْرِي إِِنْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۲ اللَّهُمَّ! اجْعَلْ فِي صَدْرِي مَسْرورًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۳ يَا إِلَهِي! اجْعَلْ فِي صَدْرِي إِِنْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.
- ۴ اللَّهُمَّ! إِمْلَأْ صَدْرِي مَسْرورًا وَ فَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.

## ۲۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«كَانَ إِبْرَاهِيمَ الرَّسُولَ يَدْعُو النَّاسَ بِاتِّبَاعِ الدِّينِ الْحَنِيفِ وَ تَجَنُّبِ عِبَادَةِ الْأَلْهَةِ الْمُتَعَدِّدَةِ.»

- ۱ حضرت ابراهیم پیامبری بود که مردم را به پرستش دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۲ حضرت ابراهیم مردم را به پیروی از دین راستین و دوری از عبادت خدایان متعدد دعوت کرد.
- ۳ ابراهیم پیامبر مردم را به پیروی دین راستین و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.
- ۴ ابراهیم پیامبری مردم را به پیروی از دین خداوند و دوری کردن از پرستش خدایان متعدد دعوت می‌کرد.

## ۲۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

«يُحْرَقُ الْهُنُودُ أَجْسَادَ أَمْوَانِهِمْ وَ قَرَابِينِهِمْ فِي شَعَائِرِ.»

- ۱ هندیان جسد‌های مردگان و قربانیان خود را در مراسمی می‌سوزانند.
- ۲ مردم هند اجساد مردگان و قربانی‌های خود را در مراسمی می‌سوزانند.
- ۳ هندیان جسد کشته‌شدگان و قربانیان خویش را در مراسم‌ها می‌سوزانند.
- ۴ مردم هند جسد‌های کشته‌شدگان و قربانیان‌شان را در مراسم‌ها می‌سوزانند.

## ۲۵- عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«إِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ الْخُطُوطَ وَ اللُّغَاتِ الْكَثِيرَةَ مِنْ نُقُوشِ بَعْضِ مَدَائِنِ إِيرَانَ.»

- ۱ دانشمندان بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را از بعضی از نگاره‌های شهرهای ایران کشف کردند.
- ۲ از نگاره برخی شهرهای ایران بسیاری از خط‌ها و زبان‌ها را دانشمندان کشف کردند.
- ۳ دانشمندان از بعضی کنده‌کاری شهرهای ایران خط‌ها و زبان‌های بسیاری را کشف کردند.
- ۴ دانشمندان خط‌ها و زبان‌های بسیاری را از کنده‌کاری‌های بعضی شهرهای ایران کشف کردند.

## ۲۶- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ: پروردگارا آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر ما تحمیل مکن.
- ۲ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى: و با او سخنی نرم گوید کاش پند پذیرد یا بترسد.
- ۳ وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمَنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: و همانا او از آنچه به او آموختیم دارای دانشی بود ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.
- ۴ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ: و اگر از جانب خدا بزرگی ای به شما برسد، چنانکه گویی میان شما و میان او دوستی ای نبوده است می‌گوید کاش من با آنان بودم.

## ۲۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لَا قُرْبَةَ بِالْأَوْفَالِ إِذَا أَصْرَتْ بِالْفَرَائِضِ: هنگامی که واجبات زیان بینند نزدیکی ای به مستحبات نیست.
- ۲ إِنَّ الْأُمُورَ إِذَا اشْتَبَهَتْ اعْتَبِرْ آخِرُهَا بِأَوَّلِهَا: همانا کارها هنگامی که مشتبه شود پایان آنها به اولشان سنجیده شود.
- ۳ وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ: در دنیا خیری نیست مگر برای دو نفر: مردی که مرتکب گناهی شده است و با توبه آن را جبران نماید و مردی که به سوی کارهای خیر می‌شتابد.
- ۴ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ: و نیکی با بدی یکسان نیست؛ (بدی) را به آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی وی دوستی یکدل است.

## ۲۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«یکی از آموزه‌های قرآن این است که به انسان یادآوری کند خداوند دنیا را بیهوده و پوچ نیافریده است.»

- ۱ واحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۲ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا يَتَذَكَّرُ النَّاسَ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۳ واحِدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ مَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.
- ۴ أَحَدٌ مِنْ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ هَذَا أَنْ يَتَذَكَّرَ النَّاسَ لَا خَلَقَ اللَّهُ هَذِهِ الدُّنْيَا سُدًى.

## ۲۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«از سختی‌های روش و کردار همه پیامبران کشمکش آنها با کافران و ظالمان بوده است:»

- ۱ مِنْ سِيرَةِ صُعُوبَاتِ أَنْبِيَاءٍ كُلُّهُمْ صِرَاعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۲ مِنْ صُعُوبَاتِ سِيرَةِ كُلِّ الْأَنْبِيَاءِ صِرَاعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۳ مِنْ صَعْبَةِ سِيرَةِ كُلِّ الْأَنْبِيَاءِ صِرْعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.
- ۴ مِنْ صُعُوبَاتِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ كُلُّهُمْ صِرْعُهُمْ مَعَ الْكَافِرِينَ وَ الظَّالِمِينَ.

## ۳۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

- ۱ هیچ قومی از اقوام زمین نبوده است مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته است: لَا قَوْمَ مِنْ أَقْوَامِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
- ۲ هر غذایی که بر آن نام خداوند یاد نشود پس همانا آن بیماری است و برکتی در آن نیست: كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذَكَّرُ إِسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَتٌ فِيهِ.
- ۳ بنده به حقیقت ایمان نمی‌رسد تا زبان خویش نگاه دارد: لَنْ يَبْلُغَ الْعَبْدُ الْحَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَحْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ.
- ۴ هیچ چیزی سزاوارتر از زبان به زندان شدن نیست: لَا شَيْءٌ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

## ۳۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ:

«ستاره‌شناس وسایل خود را حاضر و شروع به دیدن ستارگان در شب کرد.»

- ۱ حَضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ رَأَى النُّجُومَ فِي اللَّيْلِ.
- ۲ أَحْضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ يَبْدَأُ بِرُؤْيَةِ النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.
- ۳ حَضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ بِبِرْزَى النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.
- ۴ أَحْضَرَ الْمُنْجَمَ وَسَائِلَهُ وَ بَدَأَ بِرُؤْيَةِ النُّجُومِ فِي اللَّيْلِ.

### ۳۲- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ خَطَاءٌ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ۱ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: مأمور کردم، قطعاً باشد، هرگز نباش
- ۲ فَلَمَّا آتَاهَا نُودَىٰ مِنْ شَطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: به آن رسید، ندا دادیم، جایگاه مبارک

- ۳ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيئًا: بزرگی، شعله‌ور شده است، نبوده‌ام
- ۴ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ...: اگر هستید، شک، رستاخیز

### ۳۳- كَمَّلَ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- الف) أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأَمِّ وَ لِأَبٍ: ای که... افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند.
- ب) هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِن فِصَّةٍ / أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ: آیا آنان را... که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند.
- ج) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ: افتخار تنها به... شرم، پاکدامنی و ادب است.
- ۱ بی‌خرد، ندیدی، استواری عقل
  - ۲ نابخردانه، ندیدی، استواری عقل
  - ۳ بی‌خرد، نمی‌بینی، عقلی استوار
  - ۴ نابخردانه، نمی‌بینی، عقلی استوار

### ۳۴- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «لِالشَّعْبِ مِنَ شُعُوبِ الْأَرْضِ الْآ» وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ»

- ۱ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و راهی برای عبادت داشته باشد
- ۲ نیست ملتی از ملت‌های دنیا مگر آنکه برای آن یک دین و عبادتی باشد
- ۳ قطعاً هر ملتی از ملت‌های زمین برایشان دین و راه عبادت وجود دارد
- ۴ هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست جز اینکه برایشان دین و عبادتی باشد

### ۳۵- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ الَّتِي إِكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وَجُودِهِ.»

- ۱ آثار قدیمی که توسط انسان کشف شده است تاکید بر توجه به دین و دلالت بر فطری بودن آن دارد
- ۲ آثار قدیمی که انسان آنها را کشف کرده، توجه انسان به دین را تاکید می‌کند و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است
- ۳ آثار قدیمی که انسان کشف کرده، توجه انسان به دین را نشان می‌دهد و دلالت بر آن دارد که دین در وجودش فطری است
- ۴ انسان‌ها آثار قدیمی را کشف کردند که این موضوع اهتمام آنها به دین و فطری بودن آن را نشان می‌دهد

### ۳۶- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا»

- ۱ قوم پچ پچ می‌کردند که: بت که حرف نمی‌زند قطعاً ابراهیم می‌خواهد بت‌های ما را مسخره کند
- ۲ قوم شروع به پچ پچ کرد: قطعاً بت حرف نزده است و همانا ابراهیم بت‌های ما را مسخره کرده است
- ۳ قوم شروع به پچ پچ کردند: قطعاً بت حرف نمی‌زند، بی‌شک ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد
- ۴ قوم شروع به پچ پچ کردند: بت هیچ‌گاه حرف نمی‌زد و قطعاً قصد ابراهیم مسخره کردن بت ما بوده است

### ۳۷- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَّرْصُورٌ»

- ۱ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.
- ۲ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند
- ۳ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.
- ۴ در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او پی در پی، چنانکه گویی بنایی محکم و استوار هستند، جهاد می‌کنند.

### ۳۸- إِنْ تَخَبَّ التَّرْجَمَةُ الصَّحِيحَةَ «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

- ۱ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نبودند
- ۲ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند
- ۳ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش خواهد داشت ولی بیشتر مردم سپاسگزار نیستند
- ۴ قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و بخشش دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزار نمی‌کردند



### ۳۹- اِنْتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...»

- ۱ وکسانی را که به غیر خدا دعوت کردند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۲ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام خواهند داد.
- ۳ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.
- ۴ وکسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند، دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند.

### ۴۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «هَيْجَ فَقْرِي مِثْلَ نَادَانِي وَ هَيْجَ مِيرَاثِي مِثْلَ نَادَانِي»

- ۱ لافقر كالجاهل ولا ميراث كالآداب
- ۲ ليس فقرٌ مثل الجهل و ليس ميراثٌ مثل الادب
- ۳ لالفقر مثل الجهل ولا الميراث كالآداب
- ۴ لا فقرٌ كالجهل ولا ميراثٌ كالآداب

### ۴۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «كُوِي خَشْنُوْد سَاخْتِن هَمِه مَرْدَمِ هَدْفِي اَسْت كِه بِه دَسْت نَمِي آيْد»

- ۱ لَيْتَ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ هَدْفٌ لَا تُدْرِكُ
- ۲ كَانَتْ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ
- ۳ إِنَّ إِرْضَاءَ كُلِّ النَّاسِ غَايَةٌ لَا يُدْرِكُ
- ۴ لَعَلَّ إِرْضَاءَ كُلِّ النَّاسِ هَدْفٌ لَا يُدْرِكُ

### ۴۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱ لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجِحُ فِي الْمَسَابِقَةِ: كَاش دُوسْتَم دَر مَسَابِقِه پِيروز بَاشَد
- ۲ لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بِلَادِي: كَاش هَمِه شَهْرَهَاي كِشُورَم رَا مِي دِيدَم
- ۳ لَيْتَ نَاصِرَا اِبْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ: كَاش نَاصِرَا ز تَبَلِي دُورِي مِي كَرْد
- ۴ لَعَلَّ حَمِيدَا يُسَافِرُ: شَايِد حَمِيد مَسَافِرْت كَرْدِه بَاشَد

### ۴۳- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱ لَاحِيْرَ فِي قَوْلِ الْاِمْعَالِ: خِيْرِي نِيْسْت مِگَر اِيْنِكِه كَلَام بَا عَمَل بَاشَد
- ۲ لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هَيْجَ جِهَادِي مِثْلَ جِهَادِ بَا نَفْسِ نِيْسْت
- ۳ لَا لِبَاسٍ اَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ: هَيْجَ لِبَاسِي زِيَا تَرَاز عَافِيَتِ نِيْسْت
- ۴ لَا فِقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَامِيْرَاثٍ كَالْاَدْبِ: هَيْجَ فِقْرِي مِثْلَ نَادَانِي وَ هَيْجَ مِيْرَاثِي مِثْلَ نَادَانِي

### مفهوم

### ۴۴- عَيْنِ الْأَصْحَحِ لِلْمَفْهُومِ:

- «هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ وَ ذَهَبٍ / بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ»
- ۱ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ
  - ۲ عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً
  - ۳ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ
  - ۴ أَفَهُ الَّذِينَ الْحَسَدُ وَ الْعُجْبُ وَ الْفَخْرُ

### ۴۵- عَيْنِ مَا لَيْسَ مَفْهُومَهُ مِثْلَ الْآخَرِينَ:

- ۱ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ
- ۲ أَقْرَبُكُمْ غَدًا مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ
- ۳ لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ
- ۴ الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعَدَّ

### ۴۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

«لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ».

- ۱ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ صِلَاحَ نَفْسِهِ مَنْ لَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ.
- ۲ ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صِلَاحُ النَّفْسِ.
- ۳ طُوبَى لِمَنْ جَاهَدَ فِي اللَّهِ نَفْسَهُ وَ هَوَاهُ وَ مَنْ هَزَمَ جُنْدَ هَوَاهُ ظَفَرَ بِرِضَى اللَّهِ تَعَالَى.
- ۴ جِهَادُ النَّفْسِ بِالْعِلْمِ عُنْوَانُ الْعَقْلِ.

٤٧- عَيَّن الصَّحِيحَ فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَاتِ:

إِيَّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ  
هَل تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ  
بَل تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ  
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ  
إِنَّمَا النَّاسُ لِمِ الْأَبِّ  
أَمْ حديدٍ أَمْ نُحاسٍ أَمْ ذَهَبٍ  
هَل سِوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ  
وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

- ١ كيفية خلقة الانسان  
٢ الفرق بين الجاهل و العاقل  
٣ أهمية العقل و العفاف و الادب  
٤ انما الشرف بالعقل لا بالمال

درك مطلب

إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

«عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ قَدْ كَانَتْ فِي أَكْثَرِ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةِ. الصَّنَمُ ثِمْنًا مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدِنِ أَوْ الْأَجْناسِ الْأُخْرَى يَعْْبُدُهُ الْإِنْسَانُ. هَذِهِ الْأَصْنَامُ تُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ بِصُورَةِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيَوَانِ أَوْ مِنَ الْوَهْمِ وَ لَكِنْ فِي بَعْضِ الْبِلَادِ النَّاسُ يَعْبُدُونَ أَشْجَارًا أَوْ حَيَوَانَاتٍ خَاصَّةً فِي الطَّبِيعَةِ نُسَمِيهِ «أَنِيمِيسِم». عَوَامِلٌ مُخْتَلِفَةٌ تُحَسِّبُ لِإِقَامَةِ وَجْهِ النَّاسِ لِلشَّرِكِ وَ مِنْ جُمْلَتِهَا كَانَ إِهْتِمَامُ الْإِنْسَانِ بِمُحَاكَاةِ الْخَالِقِ بِصُورَةِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي كَانَ يَرَاهَا مِثْلَ الْإِنْسَانِ وَ الْحَيَوَانَاتِ وَ النَّبَاتَاتِ. هَكَذَا نَقْدِرُ أَنْ نَقُولَ أَنَّ تَنَوُّعَ الْمَوْجُودَاتِ فِي الْعَالَمِ كَانَ يُسَبِّبُ الْإِنْسَانَ أَنْ يَعْتَبِرَ الْأَرْبَابَ الْمُخْتَلِفَةَ لَهَا.»

٤٨- عَيَّن الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ الأصنامُ يُمكنُ أَنْ تَكُونَ طَبِيعِيَّةً أَوْ مَصْنُوعَةً  
٢ النباتاتُ ما كانتِ مِنَ الرُّبُوبِ أَبَدًا  
٣ قَلِيلَةٌ مِنَ النَّاسِ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ فِي الْمَاضِي  
٤ النَّصُّ يَبْحَثُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ فِي بَلَدٍ خَاصٍّ

٤٩- عَيَّن الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ لِلْأَصْنَامِ الْأَنْوَاعُ وَ الْأَجْناسُ الْمُخْتَلِفَةُ  
٢ أحياناً الْإِنْسَانُ يَسْتَعِينُ مِنْ قُوَّةِ وَهْمِهِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ  
٣ أَنِيمِيسِمُ هُوَ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ الَّتِي يَصْنَعُهَا الْإِنْسَانُ  
٤ الْأَشْيَاءُ الْمَرْيُوتَةُ كَانَتْ أَحَدَ مَصَادِرِ الْإِلْهَامِ لِصِنَاعَةِ الْأَصْنَامِ

٥٠- الضَّمِيرُ «ه» فِي جُمْلَةٍ «الصَّنَمُ ثِمْنًا مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدِنِ أَوْ الْأَجْناسِ الْأُخْرَى يَعْْبُدُهُ الْإِنْسَانُ» يَرْجِعُ إِلَى:

- ١ الصَّنَمُ  
٢ تِمْنًا  
٣ الْحَجَرِ  
٤ الْأُخْرَى

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَةَ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

الصَّنَمُ ثِمْنًا مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْمَعْدِنِ أَوْ غَيْرِهِ الَّذِي يُبْنَى بِشَكْلِ الْإِنْسَانِ أَوْ الْحَيَوَانِ أَوْ صُورِ خِيَالِيَّةٍ وَ حَقِيقِيَّةٍ لِعِبَادَةٍ. كَانَ عِبَادَةُ الصَّنَمِ رائجاً فِي كُلِّ الْأُمَّمِ تَقْرِيْبًا. وَ لَكِنَّ بَعْضَ الْأُمَّمِ كَالْإِيرَانِيِّينَ مَا كَانَ يَعْْبُدُ الْأَصْنَامَ أَبَدًا. فِي سَنَةِ الْيُونَانِيِّينَ كَانَ يَعْْبُدُ بَعْضُهُمْ آلِهَةً جَسْمِيًّا وَ بَعْضُ الْأُخْرَى يَعْْبُدُ آلِهَةً رُوحِيًّا. الْأَصْنَامُ الْمَشْهُورَةُ عِنْدَهُمْ كَانَتْ زَنْوُسَ وَ هِرَاءَ وَ آتِنَا وَ هِرْكُولَ. وَ كَانَ عِنْدَ الرُّومِيِّينَ الْجُوبِيْتَرُ وَ الْوِنُوسُ وَ الْدِيَانَا وَ عِنْدَ الْأَعْرَابِ كَانَتْ اللَّاتُ وَ الْمَنَاةُ وَ الْعَرْيُ.

٥١- عَيَّن الْعُنْوَانَ الْمُنَاسِبَةَ لِلنَّصِّ:

- ١ الْأَصْنَامُ الْمَشْهُورَةُ عِنْدَ الْأُمَّمِ الْمُخْتَلِفَةِ  
٢ عِبَادَةُ الْأَصْنَامِ عِنْدَ الْأُمَّمِ الْمُخْتَلِفَةِ  
٣ ذَمُّ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ  
٤ سُنَّةُ الْيُونَانِيِّينَ فِي عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ

٥٢- عَيَّن الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١ كَانَ يَعْْبُدُ الْإِيرَانِيُّونَ الْأَصْنَامَ قَبْلَ وُجُودِ الْإِسْلَامِ فِي إِيرَانَ.  
٢ كَانَ يَعْْبُدُ الْيُونَانِيُّونَ آلِهَةً جَسْمِيًّا وَ رُوحِيًّا أَيْضًا.  
٣ كَانَ هِرْكُولُ وَ زَنْوُسُ مِنَ الْأَصْنَامِ الْمَعْرُوفِ فِي يُونَانَ.  
٤ كَانَ يَعْْبُدُ الْأَعْرَابُ الْأَصْنَامَ قَبْلَ ظُهُورِ نَبِيِّ الْإِسْلَامِ.

## ٥٣- كم حرفاً من حُرُوفِ مِشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ وُجِدَ فِي النَّصِّ:

- ١ اثنان  
٢ ثلاثة  
٣ واحد  
٤ صفر

## ٥٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي نَوْعِيَّةِ أَوْ مَحَلِّ إِعْرَابِيِّ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

يُونَانِيَّيْنِ، كَانَ، رُومِيَّيْنِ

- ١ مضاف إليه، فعل ناقصه، مضاف إليه  
٢ صفت، فعل ناقصه، مجرور به حرف جر  
٣ مضاف إليه، حروف مشبهة بالفعل، مضاف إليه  
٤ صفت، خبر، مجرور به حرف جر

### اقرأ النص التالي ثم أجب الاسئلة

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ وَلَمَّا خَرَجَ قَوْمَهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَأَسَا وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ. وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مَكْسُورَةً وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمَحَاكِمَةِ وَسَأَلُوهُ: (أَنْتَ فَعَلْتَ بِالْهَيْتَانِ يَا إِبْرَاهِيمَ) فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضُدُ إِبْرَاهِيمُ الْأَسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا وَهَذَا (قَالُوا حَرَّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ) فَذَفَفُوهُ فِي النَّارِ فَانقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا

## ٥٥- ماهي ترجمة الكلمات ( فأسا - مكسرة - يتهامسون - حرَّقوه ) من النص حسب الترتيب:

- ١ تبر - شككته - بيچ كردند - اورا سوزانديد  
٢ تبر - شكسته شده - بيچ مي كنند - اورا بسوزانيد  
٣ داس - شكسته شده - بيچ مي كردند - اورا بسوزانيد  
٤ تبر - شكست - نجوا مي كردند - اورا سوزانديد

## ٥٦- اي عنوان يناسب النص:

- ١ عبادة الاصنام في قوم ابراهيم  
٢ حياة ابراهيم الخليل بين قومه  
٣ محاولة ابراهيم لانقاذ القوم و نتيجتها  
٤ محاكمة ابراهيم بسبب استهزاء الاصنام

## ٥٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

( فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ وَلَمَّا خَرَجَ قَوْمَهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ ، بَقِيَ وَحِيدًا ، فَحَمَلَ فَأَسَا وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ )

- ١ أحد : المجرور بحرف الجر / الاعياد: المضاف إليه  
٢ قومه : فاعل / وحيداً : مفعول  
٣ فأسا: فاعل / الاصنام: المضاف إليه  
٤ الاصنام: المضاف إليه / الاعياد: صفة

## ٥٨- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ، إِنَّمَا يَقْضُدُ إِبْرَاهِيمُ الْأَسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا وَهَذَا (قَالُوا حَرَّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ) فَذَفَفُوهُ فِي النَّارِ فَانقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا)

- ١ إِبْرَاهِيمَ: فاعل و مرفوع / الاستهزاء : مفعول و منصوب  
٢ بأصنام: الجار والمجرور / آلهة: مفعول و منصوب  
٣ الله: مفعول و منصوب / آلهة: فاعل و مرفوع  
٤ إِبْرَاهِيمَ: فاعل و مرفوع / باصنام: الجار و المجرور

## ٥٩- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مَحَلِّ إِعْرَابِيِّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ حَسَبِ النَّصِّ:

( الْمَعْبَدُ - النَّاسُ - الْكَبِيرُ - النَّارُ )

- ١ المفعول به - الفاعل - الصفة - المجرور بحرف الجر  
٢ المفعول به - المبتدا - الصفة - المجرور  
٣ الفاعل - الفاعل - الصفة - الجار و المجرور  
٤ المفعول به - الفاعل - المضاف إليه - الجار والمجرور